



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

نگاهی بر روابط مثبت و منفی معلم و دانش آموز: پیامدها و رهنمودها

ندا موسوی^۱، ابراهیم محسنی خواه^۲، زهره نجفی^۳، حسین محمدی^۴

۱- کارشناسی ریاضی محض دانشگاه پیام نور شیراز

۲- کارشناسی دینی و عربی دانشگاه فرهنگیان

۳- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

۴- کارشناسی ارشد ایران شناسی گرایش تاریخ دانشگاه شیراز

n.mousavi22@gmail.com

چکیده

رابطه دانش آموز و معلم در کلاس، رابطه ای مثبت بین معلم و دانش آموز در تلاش برای جلب اعتماد و احترام از یکدیگر است. این رابطه ممکن است شامل شناخت بهتر دانش آموزان، ایجاد انتخاب و تشویق دانش آموزان برای تبدیل شدن به یادگیرندگان قوی تر باشد. با این کار معلمان به دانش آموزان خود احترام می گذارند، برای فردیت آنها ارزش قائل هستند. داشتن رابطه مثبت با دانش آموزان به آنها کمک می کند تا در کلاس درس موفق تر شوند و همچنین کلاس درس را به محیطی امن و دلپذیر برای همه تبدیل می کند. روابط مثبت آموزگار و شاگرد ارتباط تنگاتنگی با کیفیت آموزشی و جو مدرسه دارد، زیرا آموزگاران این فرصت را دارند که هم از نظر تحصیلی و هم از نظر اجتماعی از شاگردان حمایت کنند. این پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه ای و به روش تحلیلی توصیفی استدلال می کند که روابط شاگردان با آموزگاران برای موفقیت آنها در مقطع ابتدایی اساسی است. روابط شاگرد و آموزگار در طول سال تحصیلی از طریق پیوند پیچیده ای از باورها، نگرش ها، رفتارها و ارتباطات شاگرد و آموزگار با یکدیگر ایجاد می شود. ایجاد روابط قوی و حمایتی با آموزگاران به شاگردان این امکان را می دهد که در فضای مدرسه و کلاس درس احساس امنیت و آرامش بیشتری داشته باشند، ارتباطات مثبت بیشتری با همکلاسی های خود برقرار کنند و رشد تحصیلی بیشتری کسب کنند. در مقابل، تعارض و تضاد با آموزگاران ممکن است شاگردان را در مسیر شکست و افت تحصیلی قرار دهد که در آن نمی توانند به دانش نظری و عملی ارائه شده در کلاس و مدرسه ارتباط برقرار کنند. مطالعات نظری و تجربی روابط شاگرد و آموزگار منجر به تدوین برنامه هایی شده است که برای ارتقای رشد تحصیلی شاگردان از طریق بهبود روابط شاگرد و آموزگار با طراحی شده است. هدف از مطالعه پیش رو بررسی روابط مثبت و منفی معلمان و دانش آموزان در نظام آموزشی است. در این روند از روش توصیفی بهره گرفته شده است.

کلمات کلیدی: روابط مثبت، آموزگار، شاگرد، رشد تحصیلی، تاثیر روابط متقابل.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

شاگردی را تصور کنید که ارتباط شخصی مثبت و قوی با آموزگار خود احساس می کند، به طور مکرر با آموزگار خود صحبت می کند و به جای انتقاد از آموزگار، راهنمایی ها و تمجیدهای سازنده بیشتری دریافت می کند. شاگرد احتمالاً بیشتر به آموزگار خود اعتماد می کند، مشارکت بیشتری در یادگیری نشان می دهد، در کلاس بهتر رفتار می کند و از نظر تحصیلی در سطوح بالاتر پیشرفت می کند. روابط مثبت آموزگار و شاگرد شاگردان را به فرآیند یادگیری می کشاند و تمایل آنها به یادگیری را تقویت می کند (با این فرض که محتوای کلاس جذاب، مناسب سن و به خوبی با مهارت های شاگرد مطابقت دارد) (Jones, Bouffard & Weissbourd, 2013). بهبود روابط شاگردان با آموزگاران پیامدهای مهم، مثبت و طولانی مدتی برای رشد تحصیلی و اجتماعی شاگردان دارد. صرفاً بهبود روابط شاگردان با آموزگاران خود دارند، نسبت به شاگردانی که در روابط خود تعارض بیشتری دارند، به سطوح بالاتری از موفقیت دست خواهند یافت (Borman & Overman, 2004). آموزگاران مؤثر با شاگردان خود روابط صمیمانه و دلسوزانه ای ایجاد می کنند. در بهترین زمان، ایجاد این روابط می تواند یک چالش باشد. در دنیای پس از همه گیری، که در آن بسیاری از آموزگاران از راه دور با شاگردان درگیر هستند، ایجاد روابط ممکن است غیرممکن به نظر برسد. خوشبختانه، مکان مارکوس، مشاور و مربی آموزش دیده، می گوید، مربیان می توانند مهارت های لازم برای ایجاد روابط قوی، هم به صورت حضوری و هم آنلاین را بیاموزند (Murray & Greenberg, 2001).

روابط متناسب آموزگار و شاگرد

آموزگاران که روابط مثبتی را با شاگردان خود ایجاد می کنند، محیط های کلاسی را برای یادگیری ایجاد می کنند و نیازهای رشدی، عاطفی و تحصیلی شاگردان را برآورده می کنند. در اینجا چند نمونه عینی از نزدیکی آموزگار و شاگرد آورده شده است:

- یک شاگرد ابتدایی تصمیم می گیرد تا این خبر را که اخیراً در یک بازی اجتماعی با آموزگار شرکت کرده است به اشتراک بگذارد زیرا می داند که آموزگار به موفقیت او علاقه واقعی نشان خواهد داد.
- پسر کلاس چهارمی که در ریاضیات مشکل دارد، با اعتراف به آموزگار که برای ضرب و تقسیم کسرها به کمک نیاز دارد، احساس راحتی می کند، حتی اگر بیشتر شاگردان کلاس از این کار فراتر رفته باشند.
- یک دختر ابتدایی قلدری سایر شاگردان را تجربه می کند و به آموزگار مطالعات اجتماعی خود نزدیک می شود تا درباره آن گفتگو کند، زیرا اعتماد دارد که آموزگار بدون ایجاد احساس ناتوانی اجتماعی به او گوش می دهد و کمک می کند (Harrison, Clarke & Ungerer, 2007).

روابط مثبت آموزگار و شاگرد و تاثیر آن بر رشد تحصیلی و اجتماعی

ثابت شده است که روابط مثبت آموزگار و شاگرد - که توسط گزارش های آموزگاران مبنی بر تعارض کم، درجه بالایی از نزدیکی و حمایت و وابستگی کم نشان داده شده است - از سازگاری شاگردان با مدرسه حمایت می کند، به مهارت های اجتماعی آنها کمک می کند، رشد تحصیلی را ارتقا می دهد و شاگردان را پرورش می دهد. آموزگاران که روابط نزدیک با شاگردان را تجربه می کنند، گزارش کردند که شاگردان آنها کمتر از مدرسه اجتناب می کنند، به نظر می رسند خودراهربتر، همکاری بیشتری دارند و بیشتر درگیر یادگیری هستند. آموزگاران که بیشتر از شیوه های یادگیرنده محور استفاده می کنند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(یعنی شیوه‌هایی که به تفاوت‌های فردی بین شاگردان حساسیت نشان می‌دهند، شاگردان را در تصمیم‌گیری مشارکت می‌دهند، و نیازهای رشدی، شخصی و رابطه‌ای شاگردان را تأیید می‌کنند) انگیزه بیشتری در شاگردان خود ایجاد کردند (Harrison, Clarke & Ungerer, 2007).

خلق روابط مثبت با شاگردان خود:

- لذت و لذت خود را از شاگردان نشان دهید.
- با شاگردان به شیوه‌ای پاسخگو و محترمانه تعامل کنید.
- برای دستیابی به اهداف تحصیلی و اجتماعی به شاگردان کمک کنید (مثلاً پاسخ به موقع به سؤالات، ارائه حمایتی که با نیازهای شاگردان مطابقت دارد).
- به شاگردان کمک کنید تا در مورد مهارت‌های تفکر و یادگیری خود فکر کنند.
- دانستن و نشان دادن دانش در مورد سوابق، علایق، نقاط قوت عاطفی و سطوح تحصیلی شاگردان.
- از نشان دادن تحریک‌پذیری یا تشدید نسبت به شاگردان خودداری کنید.
- با تشویق شاگردان به مراقبت و احترام به یکدیگر، اهمیت همسالان را در مدارس به رسمیت بشناسید (Jones, Bouffard & Weissbourd, 2013)

روابط منفی آموزگار و شاگرد

آموزگاران که روابط منفی با شاگرد دارند، شواهدی از ناامیدی، تحریک‌پذیری و عصبانیت نسبت به آن شاگرد نشان می‌دهند. آموزگاران ممکن است منفی خود را از طریق اظهار نظرهای کنایه آمیز و کنایه آمیز نسبت به شاگرد نشان دهند یا این احساس را توصیف کنند که همیشه با شاگرد خاصی درگیر هستند یا در تعارض هستند. اغلب، آموزگاران یک شاگرد خاص را به عنوان "کسی که آنها را خسته می‌کند" یا "شاگردی که آنها را احساس خستگی و فرسودگی می‌کند" توصیف می‌کنند (Borman & Overman, 2004).

وقتی آموزگاران نسبت به چند یا تعداد زیادی از شاگردان کلاس عصبانیت و عصبانیت نشان می‌دهند، روابط منفی آموزگار و شاگرد می‌تواند تقویت شود. در این نوع کلاس‌ها، آموزگاران ممکن است به فریاد زدن و کنترل شدید تنبیهی متوسل شوند. ارتباطات آموزگار و شاگرد ممکن است طعنه آمیز یا بی‌احترامی به نظر برسد. قربانی شدن یا قلدری شاگرد ممکن است در چنین کلاس‌های منفی رخ دهد. روابط منفی آموزگار و شاگرد هم برای آموزگاران و هم برای شاگردان استرس‌زا است و می‌تواند برای رشد تحصیلی و اجتماعی-عاطفی شاگردان مضر باشد (Fraser & Galinsky, 2005).

باید ها و نباید هاب رابطه آموزگار و شاگرد

بایدها:

برای آشنایی و ارتباط با هر شاگرد در کلاس خود تلاش کنید. همیشه آنها را با نام صدا بزنید، اطلاعاتی در مورد علایق آنها پیدا کنید و تلاش کنید تا بفهمید برای موفقیت در مدرسه به چه چیزهایی نیاز دارند. سعی کنید زمانی را به صورت فردی با هر شاگرد بگذرانید، به خصوص آنهایی که سخت یا خجالتی هستند. این به شما کمک می‌کند تا رابطه مثبت تری با آنها ایجاد کنید. از پیام‌های صریح و ضمنی که به شاگردان خود می‌دهید آگاه باشید. مراقب باشید که به شاگردان خود نشان دهید که می‌خواهید در مدرسه عملکرد خوبی داشته باشند، هم از طریق رفتار و هم با گفتار. با تمرکز نه تنها بر بهبود روابط



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خود با شاگردان، بلکه بر تقویت روابط بین شاگردان خود جو مثبتی را در کلاس خود ایجاد کنید. توجه داشته باشید که شما در حال الگوسازی رفتار برای شاگردان خود هستید، چه عمدی یا غیر عمدی (Ang, 2005). شاگردان متوجه سبک تعامل شما می شوند. آنها متوجه می شوند که آیا شما نسبت به آنها، سایر شاگردان و بزرگسالان در مدرسه خود صمیمانه و احترام می گذارید یا خیر. اغلب آنها رفتار خود را بعد از رفتار شما الگو می کنند. شاگردان به روش هایی که برای مدیریت احساسات قوی استفاده می کنید توجه می کنند. آنها متوجه استراتژی های مثبت می شوند، مانند نفس عمیق کشیدن یا گفتگو در مورد ناامیدی های شما. به همین ترتیب، آنها متوجه استراتژی های منفی نیز می شوند، مانند فریاد زدن بر سر شاگردان یا شوخی های بد یا بی احترامی در مورد همکاران. توجه داشته باشید که شاگردان اغلب استراتژی هایی را که شما استفاده می کنید اتخاذ می کنند (Ang, 2005).

نبایدها:

تصور نکنید که مهربانی و احترام به شاگردان برای تقویت موفقیت کافی است. کلاس های درس ایده آل بیش از یک هدف واحد دارند: آموزگاران شاگردان را با استانداردهای بالای عملکرد تحصیلی نگه می دارند و به شاگردان فرصتی برای برقراری ارتباط عاطفی با آموزگاران، شاگردان خود و مدرسه می دهند. خیلی سریع از تلاش های خود برای ایجاد روابط مثبت با شاگردان مشکل زا دست نکشید. این شاگردان از یک رابطه خوب آموزگار و شاگرد به همان اندازه یا بیشتر از همسالان خود که راحت تر با همسالان خود کنار می آیند سود خواهند برد (Allen, 2010).

تصور نکنید که تعاملات محترمانه و حساس فقط برای شاگردان دبستانی مهم است. شاگردان راهنمایی و دبیرستان نیز از چنین روابطی سود می برند. تصور نکنید که روابط بی اهمیت هستند. برخی از تحقیقات نشان می دهد که کودکان پیش دبستانی که درگیری زیادی با آموزگاران خود دارند، هنگام تعامل با این آموزگاران، هورمون های استرس را افزایش می دهند. منتظر بروز رفتارها و تعاملات منفی در کلاس نباشید. در عوض، با مشارکت دادن شاگردان در بحث های مربوط به تعاملات اجتماعی و مدل سازی مداوم آن تعاملات مثبت برای آن ها، نسبت به ترویج یک تجربه اجتماعی مثبت موضعی فعال داشته باشید (Allen, 2010).

پرورش روابط مثبت در کلاس

شاگردان خود را بشناسید

- دانشتن علایق یک شاگرد می تواند به شما کمک کند تا نمونه هایی برای مطابقت با آن علایق ایجاد کنید.
- اگر شاگردی که عاشق بسکتبال است با سؤالی در مورد یک مسئله ریاضی نزد شما می آید، ممکن است به او با مشکلی در مورد بسکتبال پاسخ دهید.
 - اگر شاگردی که در خانه به زبان اسپانیایی گفتگو می کند با سؤالی در مورد واژگان انگلیسی به سراغ شما آمد، ممکن است به سؤال او پاسخ دهید و سپس از او بپرسید که این کلمه در اسپانیایی چیست و چگونه آن را در یک جمله به کار می برد. این نوع پاسخگویی خاص نشان می دهد که شما به شاگردان خود به عنوان افراد اهمیت می دهید و از نقاط قوت منحصر به فرد آنها (یعنی تسلط به زبان دیگر) آگاه هستید.
- دانشتن خلق و خوی شاگرد می تواند به شما در ایجاد فرصت های یادگیری مناسب کمک کند.
- اگر دختری در کلاس شما حواس پرتی خاصی دارد، می توانید با ارائه یک منطقه آرام تر به او برای کار کردن، از تلاش های او برای تمرکز حمایت کنید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- اگر پسری در کلاس شما بسیار خجالتی است، درگیر به نظر می رسد اما هرگز دست خود را برای پرسیدن سؤال بالا نمی برد، می توانید سطح درک او از یک مفهوم را در یک مکالمه تک به تک در پایان کلاس ارزیابی کنید (Murray & Greenberg, 2001)

به شاگردان بازخورد معنادار بدهید.

به روشی که به شاگردان خود بازخورد می دهید توجه کنید.

- آیا به شاگردان بازخورد معنی داری می دهید که می گوید به آنها و یادگیری آنها اهمیت می دهید یا مدام به شاگردان خود می گویند که عجله کنند؟
- آیا در مکالمات خود بر آنچه شاگردان خود به دست آورده اند تمرکز می کنید یا نظرات خود را روی چیزهایی متمرکز می کنید که هنوز تسلط ندارند؟
- آیا زبان بدن، حالت چهره و لحن صدای شما به شاگردانتان نشان می دهد که شما نیز به عنوان مردم به آنها علاقه مند هستید؟
- آیا به آنها می گویند که یک کار را انجام دهند، اما رفتار کاملاً متفاوتی را الگوبرداری می کنید؟ به عنوان مثال، آیا به شاگردان خود می گویند که به حرف یکدیگر گوش دهند، اما وقتی یکی از آنها با کلاس صحبت می کند، خسته به نظر می رسند؟ مطمئن شوید که بازخوردی که به شاگردان خود می دهید این پیام را به شما منتقل می کند که از یادگیری آنها حمایت می کنید و به آنها اهمیت می دهید.
- آیا به برخی از شاگردان بیشتر از دیگران توجه می کنید؟ (Saft & Pianta, 2001)

فضای کلاس درس مثبت

مطمئن شوید که برای شاگردانتان وقت بگذارید تا مفاهیم و مهارت‌هایی را که یاد می‌گیرند به تجربیات خودشان مرتبط کنند. در کارهایی که در کلاس خود انجام می‌دهید سرگرمی ایجاد کنید. فعالیت‌هایی را برنامه‌ریزی کنید که حس اجتماعی ایجاد کند تا شاگردان فرصتی برای دیدن ارتباط بین چیزهایی که قبلاً می‌دانند و چیزهای جدیدی که یاد می‌گیرند را ببینند، و همچنین فرصتی برای لذت بردن از بودن با شما و سایر شاگردان داشته باشند. اطمینان حاصل کنید که از حمایت اجتماعی و عاطفی برخوردار باشید و انتظارات زیادی برای یادگیری داشته باشید (Murray & Greenberg, 2001). روابط حمایتی آموزگار و شاگرد برای شاگردان ابتدایی به همان اندازه که برای شاگردان ابتدایی مهم است. روابط مثبت انگیزه و مشارکت شاگردان را در یادگیری تشویق می‌کند. شاگردان مسن‌تر باید احساس کنند که آموزگارانشان به همان اندازه که شاگردان جوان‌تر به نظرات و علایق آنها احترام می‌گذارند. حتی در موقعیت‌هایی که به نظر می‌رسد نوجوانان به آنچه آموزگاران انجام می‌دهند یا می‌گویند اهمیت نمی‌دهند، اقدامات و سخنان آموزگار اهمیت دارد و حتی ممکن است پیامدهای مثبت (یا منفی) طولانی مدت داشته باشد (Rimm-Kaufman & Baroody, 2014).

نحوه بهبود روابط با شاگردان پر در دسر

با شاگردانی که رفتار چالش برانگیز دارند گفت‌وگو مثبت ایجاد کنید. در مورد آنچه که به شاگردان مشکل‌زا کلاس خود می‌گوید فکر کنید. آیا دائماً شاگردان چالش برانگیز خود را با درخواست انجام کاری بمباران می‌کنید؟ آیا متوجه می‌شوید که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دائماً از شاگردان می‌خواهید که کاری را که انجام می‌دهند متوقف کنند؟ هیچ کس دوست ندارد که مورد آزار و اذیت قرار بگیرد و شاگردان شما نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

- سعی کنید زمان یا مکانی را پیدا کنید که بتوانید با شاگرد مشکل گفتگوی مثبت داشته باشید.
- به رفتارهای مثبتی که از خود نشان می‌دهند توجه کنید و ذکر کنید.
- به خود یادآوری کنید که حتی اگر یک شاگرد چالش برانگیز به نظر می‌رسد به درخواست‌های شما پاسخ نمی‌دهد، پیام‌هایی را می‌شنود که شما به او می‌دهید. پاسخ‌های او ممکن است رفتار فوری او را تغییر ندهند، اما ممکن است در دراز مدت اهمیت داشته باشند (Jones, Bouffard & Weissbourd, 2013).

تلاش بیشتری برای توسعه و حفظ روابط با شاگردان مشکل‌زا انجام دهید. شاگردان مشکل‌زا به انرژی بیشتری از طرف شما نیاز دارند. برای مثال، ممکن است لازم باشد زمانی را به صورت جداگانه با آنها بگذرانید تا آنها را بهتر بشناسید - برای درک علایق آنها و همچنین انگیزه آنها. این نه تنها به شما این امکان را می‌دهد که دستورالعمل‌های خود را مطابق با علایق و انگیزه‌های آنها تنظیم کنید، بلکه زمان صرف شده نیز به آنها اجازه می‌دهد تا به شما اعتماد کنند. تحقیقات اخیر روی شاگردان ابتدایی که مشکلات انضباطی مکرر و شدید دارند نشان می‌دهد که وقتی نوجوانان آموزگاران خود را افراد قابل اعتمادی می‌دانند، رفتار نافرمانی کمتری از خود نشان می‌دهند. تعارض مداوم آموزگار و شاگرد در طول سال‌های ابتدایی این احتمال را افزایش می‌دهد که کودکان رفتارهای بیرونی منفی از خود نشان دهند (Hughes, Cavell & Wilson, 2001).

دیدگاه‌های نظری برای تبیین رفتار شاگردان

سه دیدگاه نظری - نظریه دلبستگی، نظریه شناختی اجتماعی و نظریه سیستم خود - به توضیح اینکه چرا شاگردان به شیوه‌های خاصی در کلاس شما رفتار می‌کنند و چگونه می‌توانید از روابط خود با آنها برای افزایش یادگیری خود استفاده کنید، کمک می‌کند (Saft & Pianta, 2001).

نظریه دلبستگی

نظریه دلبستگی توضیح می‌دهد که چگونه شاگردان از روابط مثبت خود با بزرگسالان برای سازماندهی تجربیات خود استفاده می‌کنند (بولبی ۱۹۶۹). محور این نظریه این است که شاگردانی که روابط نزدیک با آموزگاران خود دارند، آموزگار خود را به عنوان یک "پایگاه امن" می‌بینند که از آنجا می‌توانند محیط کلاس را کشف کنند. در عمل، شاگردان با این "پایه امن" در هنگام اشتباه احساس امنیت می‌کنند و با پذیرش چالش‌های تحصیلی لازم برای یادگیری احساس راحتی بیشتری می‌کنند. روابط قوی آموزگار و شاگرد حتی می‌تواند به عنوان یک حائل در برابر اثرات نامطلوب بالقوه‌ای که دلبستگی نایمن والد-کودک می‌تواند بر رشد تحصیلی شاگردان داشته باشد، عمل کند (Reddy, Rhodes & Mulhall, 2003).

نظریه شناختی اجتماعی

نظریه شناخت اجتماعی بیان می‌کند که شاگردان طیف گسترده‌ای از مهارت‌ها را صرفاً با مشاهده انجام آن مهارت‌ها توسط افراد دیگر توسعه می‌دهند. بنابراین، الگوسازی رفتار می‌تواند یک روش مثبت و موثر برای آموزش باشد. در محیط کلاس درس، آموزگاران نقش مهمی را به عنوان الگوهای زنده ایفا می‌کنند که شاگردان می‌توانند رفتارهای اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی مثبت را بیاموزند. نظریه شناختی اجتماعی همچنین اهمیت بازخورد و تشویق آموزگاران را در رابطه با عملکرد شاگردان روشن می‌کند. آموزگاران به عنوان الگو عمل می‌کنند و به تنظیم رفتار شاگردان از طریق تعاملات و روابط کمک می‌کنند (Fraser & Galinsky, 2005).



نظریه سیستم خود

نظریه سیستم خود بر اهمیت انگیزه شاگردان تأکید می کند و با انجام این کار، اهمیت روابط آموزگار و شاگرد را توضیح می دهد. شاگردان با سه نیاز روانشناختی اساسی - شایستگی، خودمختاری و ارتباط - به کلاس درس می آیند که همه آنها را می توان در کلاس درس از طریق تعامل شاگردان با آموزگاران و با محیط یادگیری برآورده کرد (Reddy, Rhodes & Mulhall, 2003).

ویژگی های شاگرد عوامل خطر برای روابط مشکل ساز هستند

- پسران معمولاً در روابط خود با آموزگاران نسبت به دختران تعارض بیشتر و صمیمیت کمتری دارند.
- سطوح بالای تعارض آموزگار و شاگرد ممکن است بر دختران و پسران تأثیر متفاوتی بگذارد. به عنوان مثال، به نظر می رسد تعارض آموزگار و شاگرد بر موفقیت ریاضی دختران تأثیر منفی بیشتری می گذارد تا پسران.
- شاگردانی که مشکلات درونی سازی بیشتری دارند (مانند افسردگی، اضطراب) نسبت به همتایان متوسط خود وابستگی بیشتری به آموزگاران خود نشان می دهند، در حالی که شاگردانی که مشکلات بیرونی بیشتری دارند (مانند پرخاشگری، رفتارهای مشکل ساز) تعارض بیشتری با آموزگاران نشان می دهند.
- شاگردانی که رفتارهای مشکل ساز بیشتری را در خانه و مدرسه از خود نشان می دهند، تمایل به ایجاد روابط تضادآمیزتر و کمتر نزدیک با آموزگاران خود دارند.
- شاگردان با اختلالات عاطفی یا ناتوانی ذهنی خفیف نسبت به شاگردانی که این مشکلات را ندارند، روابط منفی بیشتری با آموزگاران دارند.
- شاگردان جسور پیش دبستانی با مهارت های زبانی توسعه نیافته توسط آموزگاران خود به عنوان دارای روابط متضاد تلقی می شوند. شاگردان خجالتی پیش دبستانی که مهارت های زبانی بهتری دارند توسط آموزگاران بیشتر به آنها وابسته هستند. برای شاگردانی که در معرض خطر روابط مشکل ساز آموزگار و شاگرد هستند، آموزگاران باید تلاش بیشتری برای ارائه حمایت اجتماعی و عاطفی انجام دهند که احتمالاً به آنها کمک می کند تا با چالش هایی که در مدرسه با آنها مواجه هستند، مقابله کنند (Pianta, La Paro & Hamre, 2006).
- آموزگاران در توانایی خود برای ایجاد روابط مثبت آموزگار و شاگرد متفاوت هستند. برخی از آموزگاران به سادگی زمان آسان تری برای ایجاد روابط مثبت با شاگردان دارند - شخصیت، احساسات نسبت به شاگردان، تاریخچه روابط خودشان همگی ممکن است نقش داشته باشند. چند ویژگی شخصی آموزگاران به عنوان پیش بینی کننده های مهم روابط مثبت آموزگار و شاگرد در مدارس ابتدایی شناسایی شده است. تحقیقات نشان داده است که آموزگاران پیش دبستانی و مهدکودک به احتمال زیاد با شاگردانی که دارای پیشینه قومی مشابهی هستند، روابط نزدیک برقرار می کنند.
- آموزگاران پیش از خدمت که تربیت خود را به عنوان مراقبت و پرورش به یاد می آورند نیز بیشتر احتمال دارد که نزدیکی با شاگردان را در کلاس های درسی خود تجربه کنند. اعتقادات آموزگاران و انواع اعمالی که آموزگاران ترجیح می دهند نیز مهم به نظر می رسد. آموزگاران مهدکودکی که بیشتر از شیوه های آموزشی شاگرد محور و متناسب با سن استفاده می کنند، روابط متضاد کمتری با شاگردان مهدکودک خود نسبت به کسانی که بیشتر از راهبردهای آموزشی و آموزگار محور استفاده می کنند،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گزارش کردند. در مورد ویژگی های آموزگاری که به روابط مثبت آموزگار و شاگرد در سطح ابتدایی کمک می کند، اطلاعات بسیار کمتری در دست است (Borman & Overman, 2004).

معیارهای روابط آموزگار و شاگرد

مقیاس رابطه شاگرد و آموزگار

یک ابزار گزارش آموزگار است که برای آموزگاران مدارس ابتدایی طراحی شده است. این ابزار درک آموزگار از تعارض، نزدیکی و وابستگی با یک کودک خاص را اندازه گیری می کند. ابزار دیگری که برای آموزگاران دوره راهنمایی و دبیرستان طراحی شده است، پرسشنامه روابط آموزگار و شاگرد است. رضایت آموزگاران از شاگردان، کمکی که به شاگردان ارائه می دهند و میزان تعارض آنها با شاگردان را اندازه گیری می کند (Allen, 2010).

سیستم امتیازدهی ارزیابی کلاس درس

وجود روابط حمایتی را در کلاس درس بررسی می کند. این سیستم حساسیت آموزگاران و جو مثبت و منفی کلاس را اندازه گیری می کند. اشکال مختلف این ساز برای پیش دبستانی تا کلاس دوازدهم موجود است (Daniels, & Perry, 2003).

ارزیابی شیوه های یادگیرنده محور (ALCP)

مجموعه ای از ابزارهای نظرسنجی معتبر است که برای آموزگاران و شاگردان طراحی شده است. این نظرسنجی ها که هر کدام برای گروه سنی متفاوتی طراحی شده اند، ابزارهایی را برای خودارزیابی و تأمل در اختیار آموزگاران قرار می دهند. تاکید این کار بر شناسایی تفاوت های بین ادراکات آموزگار و شاگرد به منظور کمک به آموزگاران در بازتاب و تغییر شیوه های خود بوده است. فرآیند ALCP بر نتایج یادگیری و انگیزشی شاگرد و همچنین شیوه های کلاس درس که بیشترین سهم را در به حداکثر رساندن این نتایج دارند، متمرکز است (Fraser & Galinsky, 2005).

احساسات درباره مدرسه

ادراک کودکان خردسال را از روابط خود با آموزگاران و احساسات کلی آنها نسبت به مدرسه بررسی می کند. نگرش کودکان خردسال در مورد مدرسه را نیز می توان با ترسیم تصویری از خود و آموزگار در مدرسه و تجزیه و تحلیل تصویر از نظر علائم منفی ارزیابی کرد (Solomon & Lewis, 2000).

پرسشنامه تنهایی و نارضایتی اجتماعی برای شاگردان خردسال

احساس تنهایی و نارضایتی شاگردان را از روابط با همسالان در مدرسه ابتدایی ارزیابی می کند.

پرسشنامه رفتار با آموزگار

یک معیار خود گزارشی است که می تواند برای شاگردان ابتدایی برای ارزیابی ادراک آنها از فراوانی رفتارهای خاص آموزگار مورد استفاده قرار گیرد. این معیار را می توان همراه با معیار اقتباس شده از ارتباط اجتماعی درک شده استفاده کرد (Hughes, Cavell & Wilson, 2001).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روابط آموزگار و شاگرد چگونه با جو کلاس ارتباط دارد؟

وقتی آموزگاران کلاس اول از شیوه‌هایی استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده توجه به شاگردان است و شیوه‌هایی که مهارت‌های بین فردی را در بین شاگردان تقویت می‌کند، شاگردان کمتر یکدیگر را طرد می‌کنند. علاوه بر این، شاگردان پرخاشگری که روابط مثبتی با آموزگاران دارند، بیشتر از شاگردان پرخاشگری که فاقد روابط مثبت با آموزگاران خود هستند، توسط همسالان خود پذیرفته می‌شوند. در نهایت، روابط سازنده آموزگار و شاگرد تأثیر مثبت مهمی بر مهارت‌های اجتماعی شاگردان دشوار و معمولی دارد. چنین یافته‌هایی نشان می‌دهد که تقویت روابط فردی آموزگار و شاگرد اثرات مفید و انباشته‌ای برای سایر جنبه‌های زندگی کلاسی دارد (Valeski & Stipek, 2001).

بهبود روابط آموزگار و شاگرد تنها اولین قدم در جهت رفع نیازهای عاطفی و رابطه‌ای شاگردان است. یک آموزگار همچنین باید روی ایجاد یک جامعه دلسوز از یادگیرندگان کار کند. چنین تلاش‌هایی ماهیت تعاملات بین شاگردان را بهبود می‌بخشد و مشارکت شاگردان را در مدرسه ارتقا می‌بخشد (Baker, 2006).

چه تفاوت‌های رشدی با روابط آموزگار و شاگرد مرتبط است؟

روابط آموزگار و شاگرد به همان اندازه برای نوجوانان مهم است که برای شاگردان جوان تر. احساس ارتباط و احساس خویشاوندی با آموزگار نشان‌دهنده نیاز ضروری همه کودکان و نوجوانان است. با این حال، شایان ذکر است که ماهیت روابط مثبت آموزگار و شاگرد بسته به سن شاگرد درگیر تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، رفتارهای دقیقی که ممکن است توسط یک کودک مهدکودک به عنوان مراقبت و مراقبت در نظر گرفته شود (مثلاً یک لبخند پرمهر، یک در آغوش گرفتن یک دست)، در مقابل، ممکن است توسط نوجوانان به عنوان بیش از حد درگیر و خنده دار تلقی شود. همچنین مهم است که بدانیم در سال‌های اولیه مدرسه، درک شاگردان از رابطه خود با آموزگاران و درک آموزگاران از همان روابط کاملاً مشابه است. با رشد و تکامل کودکان، شاگردان در حین رشد و تکامل، عوامل استرس‌زا را تجربه می‌کنند. روابط مثبت و سالم می‌تواند به شاگردان در انتقال رشدی که تجربه می‌کنند کمک کند (Williams, & Bryan, 2013).

آیا روابط خوب آموزگار و شاگرد برای برخی از شاگردان بهتر از دیگران کار می‌کند؟

روابط آموزگار و شاگرد تقریباً برای همه شاگردان مهم است. با این حال، به نظر می‌رسد که روابط آموزگار و شاگرد با کیفیت بالا برای شاگردانی که بر اساس مسائل رفتاری و یادگیری اولیه در معرض خطر مشکلات مدرسه هستند، مهم‌ترین است. در یک مطالعه، روابط آموزگار و شاگرد با کیفیت بالا پیش‌بینی‌کننده بهتری برای سازگاری کلاس درس، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد خواندن برای شاگردانی بود که مشکلات اولیه برونی‌سازی (مانند پرخاشگری، بیش‌فعالی)، مشکلات درونی (مانند اضطراب، افسردگی) و مشکلات یادگیری را نشان می‌دهند (Daniels, & Perry, 2003).

در مطالعه دیگری، ثابت شد که روابط حساس و حمایتی در پیش‌بینی افزایش رفتار متکی به خود و رفتارهای منفی و پرخاشگرانه کمتر در کلاس مهدکودک برای شاگردان جسور و برون‌گرا اهمیت بیشتری دارد. (سطوح قابل مقایسه حساسیت و حمایت آموزگار نقش کمتری در رفتار شاگردان در کلاس درس برای شاگردان خجالتی و مردد داشت (حساسیت آموزگار و حمایت عاطفی نقش بیشتری در پیش‌بینی رشد تحصیلی کودکان در کلاس اول (پس از در نظر گرفتن پیشرفت‌های اولیه شاگردان) برای شاگردان «در معرض خطر» شکست مدرسه نسبت به آن‌هایی که این عوامل خطر را نداشتند بازی کرد) به طور مشابه، یک مطالعه اخیر بر روی شاگردان خانواده‌های روستایی نشان داد که حمایت عاطفی بالا توسط آموزگاران با افزایش خودکنترلی رفتاری و سطوح پایین پرخاشگری در شاگردان کلاس اول مرتبط است. این مطالعه همچنین نشان داد که حضور در یک کلاس درس حمایت‌کننده عاطفی برای شاگردان به همان اندازه مهم است، صرف‌نظر از اینکه آنها از خانواده‌هایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هستند که با فقر زندگی می‌کنند یا نه و از خانواده‌هایی هستند که سرپرستی آنها توسط یک والد یا دو والدین (Harrison, Clarke & Ungerer, 2007).

در مطالعه‌ای دیگر، روابط ضعیف آموزگار و شاگرد با شکاف پیشرفت خواندن بین شاگردان آفریقایی-آمریکایی و سفیدپوست همبستگی داشت، که همگی در ابتدا مهارت‌های باسوادی کمتر از حد متوسط را نشان دادند. به طور خاص، هنگامی که گروهی از خوانندگان کم دست آورد مورد مطالعه قرار گرفتند، ثابت شد که شاگردان کلاس اولی که روابط ضعیف تری با آموزگاران خود داشتند کمتر درگیر مدرسه بودند و در کلاس دوم رشد تحصیلی کمتری داشتند. توجه به این نکته بسیار مهم است که هیوز و کواک دریافتند که شاگردان آفریقایی-آمریکایی روابط ضعیف تری با آموزگاران خود نسبت به شاگردان با پیشینه‌های قومی دیگر (یعنی قفقازی، اسپانیایی تبار) داشتند. این نشان می‌دهد که چقدر برای آموزگاران مهم است که با همه شاگردان، صرف نظر از پیشینه قومی، بهترین رابطه ممکن را ایجاد کنند (Allen, 2010).

عوامل استرس زای رابطه شاگرد و آموزگار

عوامل استرس زای شاگردی

روابط مثبت آموزگار و شاگرد می‌تواند برخی از استرس‌های عادی را که شاگردان هنگام رشد و تکامل تجربه می‌کنند، خنثی کند. انتقال به مدرسه راهنمایی می‌تواند یک زمان استرس زا برای شاگردان باشد. شاگردان دوره راهنمایی اغلب کاهش در انگیزه، عزت نفس و عملکرد تحصیلی را نشان می‌دهند (Pianta, La Paro & Hamre, 2006). الف) شاگردانی که حمایت بیشتری از آموزگاران خود دریافت می‌کنند، افسردگی کمتری را تجربه می‌کنند و در بین کلاس‌های ششم و هشتم رشد بیشتری در عزت نفس دارند (Pianta, La Paro & Hamre, 2006). ب) شاگردانی که آموزگاران خود را محترم می‌دانند، مشتاق حمایت از استقلال خود، بر تنظیم انتظارات واقعی و فردی برای عملکرد، و ارائه بازخوردهای پرورشی و سازنده تمرکز می‌کنند، در مدرسه انگیزه بیشتری دارند. به طور خاص، اگر شاگردی باور داشته باشد که «آموزگار من به من اعتماد دارد» یا «آموزگارم از من می‌خواهد که پاسخ بدهم»، احتمالاً به کلاس علاقه‌مند است و احتمالاً با هنجارهای اجتماعی مثبت کلاس مطابقت دارد. و مشتاق تر برای تسلط بر مطالب آکادمیک تدریس شده (Pianta, La Paro & Hamre, 2006).

عوامل استرس زای آموزگار

آموزگاران نیز مانند دیگر متخصصان در نقش‌های سخت، ممکن است انرژی کاهش یافته و افزایش استرس یا «فرسودگی شغلی» را تجربه کنند. آموزگاران خسته از نظر فیزیکی و عاطفی برای حفظ روابط قوی با شاگردان تلاش می‌کنند. آموزگاران در حال رشد افراد هستند و سلامت روانی آنها برای موفقیت آنها در کلاس بسیار مهم است، به ویژه توانایی آنها در ایجاد روابط با کیفیت بالا با شاگردان. آموزگاران باید برای مراقبت از خود و دریافت حمایت از دیگران برای بهبود ظرفیت خود برای کار با شاگردان وقت بگذارند (Hughes, Cavell & Wilson, 2001).

در زمان‌های سخت، یک منبع مهم حمایت از آموزگاران، جامعه بزرگسال در مدرسه است. افزایش همکاری و ارتباط بین آموزگاران و سایر پرسنل آموزشی می‌تواند حمایت اجتماعی مورد نیاز برای کاهش احساس استرس و تجدید انرژی آموزگاران را فراهم کند. آموزگاران که نسبت به توانایی خود برای کنار آمدن با موقعیت‌های چالش برانگیز و ایجاد روابط نزدیک با دیگران احساس مثبت دارند، به احتمال زیاد محیط‌های با کیفیت بالاتری را فراهم می‌کنند که نتایج شاگردان را بهبود می‌بخشد. تعداد فزاینده‌ای از تحقیقات وجود دارد که نشان می‌دهد چقدر برای آموزگاران اهمیت دارد که به سلامت و رفاه روانی خود توجه کنند (Valeski & Stipek, 2001).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه گیری

ایجاد رابطه با شاگردان و معرفی خود به عنوان آموزگار آنها راهی عالی برای مبارزه با غیبت مزمن است. اگر شاگردان بدانند که آموزگار به آنها اهمیت می دهد و به موفقیت آنها کمک می کند، انگیزه بیشتری برای حضور در کلاس ها دارند. و با بهبود مشارکت مدرسه، این روابط می تواند رشد تحصیلی را نیز بهبود بخشد. حتی در مدرسه ابتدایی، غیبت های غیر موجه با کاهش نمرات مرتبط است، به ویژه در ریاضی. با ایجاد انگیزه در شاگردان برای کار سخت و از دست دادن درس های کمتر، روابط آموزگار و شاگرد می تواند مانع از عقب افتادن شاگردانی شود و شکاف رشد تحصیلی را کاهش دهد. این یکی از طولانی ترین راه هایی است که آموزگار می تواند بر پیشرفت و موفقیت شغلی شاگرد تأثیر بگذارد (Daniels, & Perry, ۲۰۰۳).

ارتباط شخصی با شاگردان شما همچنین می تواند انگیزه درونی آنها را برای یادگیری افزایش دهد. وقتی شاگردان به خاطر تسلط به کارشان احساس علاقه می کنند، عشق به یادگیری در آنها ایجاد می شود که برای تمام زندگی شان مفید خواهد بود. بعلاوه، آنها به احتمال زیاد نگرش مثبتی نسبت به آموزگاران، کلاس ها و درس های خود دارند. وقتی شاگردان کمتر بر روی نمرات تمرکز می کنند و بیشتر بر تسلط تمرکز می کنند، در مسیر خود به سمت یک حرفه مدرسه موفق هستند. در نهایت، این روابط حتی می تواند به برنامه درسی یادگیری اجتماعی-عاطفی شما پیوند بخورد. ارتباط مثبت آموزگار و شاگرد می تواند به شاگردان کمک کند تا مهارت های خودتنظیمی، به ویژه خودمختاری را توسعه دهند. همانطور که شاگردان یاد می گیرند که چگونه رفتار خود را ارزیابی و مدیریت کنند، می توانند به اهداف شخصی و تحصیلی خود برسند. و با گذشت زمان، این می تواند نمرات شکست خورده و نیاز به تغییر مسیر را کاهش دهد (Baker, 2006).

شاگردانی که رابطه مثبتی با آموزگار خود دارند، مهارت های اجتماعی-عاطفی قوی تری پیدا می کنند. به علاوه، این شاگردان بیشتر احتمال دارد مقدار بیشتری از دانش آکادمیک را جذب کنند. نتیجه یک رابطه قوی شاگرد و آموزگار این است که به شاگردان اجازه می دهد از طریق کاوش و ریسک کردن در وظایف تحصیلی خود احساس اعتماد کنند. به طور خلاصه، شاگردانی که رابطه مثبت شاگرد و آموزگار دارند، عملکرد قوی تری در کلاس درس نشان می دهند (Fraser & Galinsky, ۲۰۰۵). یکی از مهمترین تأثیرات رابطه مثبت شاگرد و آموزگار، ایجاد محیطی است که احترام متقابل را در خود جای دهد. یکی از راه هایی که یک مربی می تواند رابطه قوی با شاگرد ایجاد کند، تعریف صریح اهداف و انتظارات یادگیری به شیوه ای مثبت است. این می تواند برای گروه های شاگرد یا شاگردان فردی متفاوت به نظر برسد. رابطه قوی به مربیان این امکان را می دهد که از یادگیری شاگردان خود آگاه باشند و اهداف و انتظارات یادگیری خود را در صورت نیاز تنظیم کنند. به همین ترتیب، مربی باید فرصت هایی را برای شاگردان با همه سبک های یادگیری فراهم کند تا از طریق ارتباط شفاهی و کتبی در بحث های کلاس شرکت کنند. علاوه بر مزایای تحصیلی، روابط مثبت شاگرد و آموزگار، سلامت روانی را بهبود می بخشد و به شاگردان در توسعه ارزش خود کمک می کند (Allen, 2010).

مراجع

Allen, K. P. (2010). Classroom management, bullying, and teacher practices. *The Professional Educator*, 34(1), 1-15.



- Ang, R. P. (2005). Development and validation of the teacher-student relationship inventory using exploratory and confirmatory factor analysis. *The Journal of Experimental Education*, 71(1), 55-7۴.
- Baker, J. A. (2006). Contributions of teacher-child relationships to positive school adjustment during elementary school. *Journal of School Psychology*, 44, 211-229.
- Borman, G. & Overman, L. (2004). Academic resilience in mathematics among poor and minority students. *Elementary School Journal*, 104(3), 177-195.
- Daniels, D. H., & Perry, K. E. (2003). "Learner-centered" according to children. *Theory Into Practice*, 42(2), ۱۰۲-۱۰۸.
- Ewing, A. R., & Taylor, A. R. (2009). The role of child gender and ethnicity in teacher-child relationship quality and children's behavioral adjustment in preschool. *Early Childhood Research Quarterly*, 24(1), 92-1۰۵.
- Fraser, M. W., Galinsky, M. J., Smokowski, P. R., Day, S. H., Terzian, M. A., Rose, R. A., & Guo, S. (2005). Social information-processing skills training to promote social competence and prevent aggressive behavior in the third grade. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73(6), 1045-1۰۵۵.
- Harrison, L. J., Clarke, L., & Ungerer, J. A. (2007). Children's drawings provide a new perspective on teacher-child relationship quality and school adjustment. *Early Childhood Research Quarterly*, 22, 55-71.
- Hughes, J. N., Cavell, T. A., & Wilson, V. (2001). Further support for the developmental significance of the quality of the teacher-student relationship. *Journal of School Psychology*, 39(4), 289-3۰۱.
- Jones, S. M., Bouffard, S. M., & Weissbourd, R. (2013). Educators' social and emotional skills vital to learning. *Phi Delta Kappan*, 94, 62-65.
- Murray, C., & Greenberg, M. T. (2001). Relationships with teachers and bonds with school: Social and emotional adjustment correlates for children with and without disabilities. *Psychology in the Schools*, 38(1), 25-۴۱.
- Pianta, R.C., La Paro, K., & Hamre, B. (2006). CLASS: Classroom Assessment Scoring System Manual: K-۳ Version. Charlottesville, VA: The Center for Advanced Study of Teaching and Learning.
- Reddy, R., Rhodes, J. E., & Mulhall, P. (2003). The influence of teacher support on student adjustment in the middle school years: A latent growth curve study. *Development and Psychopathology*, 15, 119-1۳۸.
- Rimm-Kaufman, S. E., Baroody, A. E., Larsen, R. A. A., Curby, T. W., & Abry, T. (2014). To what extent do teacher-student interaction quality and student gender contribute to fifth graders' engagement in mathematics learning? *Journal of Educational Psychology*. Advance online publication.
- Saft, E.W. & Pianta, R.C. (2001). Teachers' perceptions of their relationships with students: Effects of child, age, gender and ethnicity of teachers and children. *School Psychology Quarterly*, 16, 125-1۴۱.
- Solomon, D., Battistich, V., Watson, M., Schaps, E., & Lewis, C. (2000). A six district study of educational change: Direct and mediated effects of the Child Development Project. *Social Psychology of Education*, 4, 3-۵۱.
- Valeski, T.N. & Stipek, D.J. (2001). Young children's feelings about school. *Child Development*, 72, 1198-۱۲۱۳.
- Williams, J. M. & Bryan, J. (2013). Overcoming adversity: High achieving African American youth's perspectives on educational resilience. *Journal of Counseling & Development*, 91 (3), 291-3۰۰.